



جذب شبانه

تلاش دوساله برای تحمیل محمدی به دانشکده بالاخره در تعطیلی ها نتیجه داد.



دانشگاه است که امور کشور را اداره می کند و دانشگاه است که نسل های آینده و حاضر را تربیت می کند. و اگر چنانچه دانشگاه در اختیار چپاولگرهای شرق و غرب باشد، کشور در اختیار آنهاست. وصیت نامه امام خمینی(ره)

مثلا در دانشکده علوم سیاسی هم شاهد این قضیه بودیم که تلاش شده فردی که با رسانه های وابسته به سعودی در انگلیس و همچنین رسانه های ضد انقلاب فارسی زبان کار کرده است و در نوشته های خود به رهبر انقلاب اهانت کرده و جوانان را به براندازی جمهوری اسلامی تشویق کرده و از طرفی هم شاخص های علمی مورد نظر گروه مطالعات منطقه را نداشته برای مدیریت گروه تحمیل شود و تلاش می شود فردی که رسماً در بحران سوریه از سعودی ها حمایت کرده و به نفع تکفیری ها حرف زده و علیه جبهه مقاومت موضوع گرفته را مدیر گروه کنند!

و صد البته دانشکده ای که رئیسش بیش از دو دهه استادیار مانده بوده و نتوانسته ارتقاء تحصیلی داشته باشد و رئیس گروهش انتخابات را به انتصابات تبدیل کند، چنین سهم خواهی های سیاسی آنها در نفس های آخر دولت بعید نیست. سوال این است که چند نفر از دانشجویان دکترا و فارغ التحصیلان دانشکده که متقاضی جذب در هیئت علمی هستند ارزیابی شدند که حالا فردی از یک دانشگاه نه چندان سطح بالای خارجی با سنی بالاتر از حد معین شده و حتی با رساله دکتری غیر مرتبط با مطالعات منطقه، از راه برسد و با تمام مسائل و حواشی به وجود آمده اما ریاست دانشکده و دانشگاه این ننگ را به جان بخرند و در دوران خموشی، شبانه این فرد را به دانشکده تحمیل کنند. آیا دانشگاه تهران از تربیت اساتید خود عاجز است که دست به دامن فارغ التحصیلان دانشگاه های نامطرح خارجی می شود؟

فردی با این سوابق چرا مستحق حمایت همه جانبه ی مسئولین دانشکده است؟ دو سال از مانور رسانه ای بر سوابق درخشان جناب محمدی و عقب نشینی افراد خواهان این جذب میگذرد اما به یک باره در روزهایی که دانشگاه به واقع تعطیل و بی دفاع حساب می شود خبر جذب شنیده می شود. در همان زمان هم سایت رسمی دانشکده محل رپورتاژ جوابیه آقای محمدی شده بود. جناب تخرشید در پاسخ به این مسئله گفتند اتهام مطرح شد و باید جوابیه منتشر می شد. اما ایشان گویا فراموش کردند که طبق قانون هر تریبونی که اتهام زده، خود می بایست در همان تریبون جوابیه را منتشر کند یعنی نشریه ی بسیج نه سایت رسمی دانشکده که هیچگاه اهمیتی برای دانشجویان و مواضع تشکل های دانشکده قائل نمی شود مگر آن زمانیکه علیه شان موضع و بیانیه ای برای انتشار داشته باشد. می شود در اینجا به صحبت های آقای دکتر صادق کوشکی در گفتگو با فارس هم اشاره کرد:

در سال های ۹۲ تا الان اصراری وجود داشته که نیروهای حامی جبهه مشارکت به عنوان هیات علمی به دانشگاه تحمیل شوند به همین خاطر می بینید در مواردی اعضای هیات علمی بر اساس نیاز واقعی گروه فردی با سابقه مطلوب علمی و پژوهشی را برای مدیریت گروه برگزیده اند ولی بعد می بینیم که این فرد با سوابق علمی مطلوب حذف می شود و فردی جایگزین می شود که نه سابقه علمی مطلوبی دارند نه به این فرد در گروه اصلاً نیازی وجود دارد. شما در هر دانشگاهی که بروید از این موارد وجود دارد.

او در سال ۸۸، در زمینه تبلیغات و تحرکات جریان لندن نشین موسوم به «جنبش سبز» بسیار فعال بود و حتی با شادمانی در نوشته های خود خبر از آغاز روند فروپاشی نظام می داد. (۱) او کسی نیست جز استاد تازه جذب شده گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران، جناب آریا برزن محمدی معروف. کسی که در بدو ورود به دانشکده، برنامه ای علمی به جهت استقبال از ایشان تدارک دیدند با حضور اساتیدی چون دکتر ابراهیم متقی، دکتر ناصر هادیان و دکتر محمد جمشیدی با موضوع پیامدهای منطقه ای و بین المللی تصمیم ترامپ که گویی بنا به یک رسم نانوشته حضور اساتید انقلابی مشروعیت ورود ایشان به دانشکده را فراهم کند. اما غافل از آن که بسیج دانشکده با خواندن سوابق درخشان ایشان در خبرگزاری ها، اقدام به پخش نشریه و اطلاع رسانی در سطح دانشکده و دانشگاه کرده است که گویا همین امر موجب حضور نیافتن ایشان در آن مراسم و حتی چندین روز بعد از آن در دانشکده و دانشگاه شده است. سوابق ایشان به حدی بهت آور است که در جلسه ی استیضاح جناب مدیر دانشکده در آبان ماه ۹۸ با حضور دانشجویان و نمایندگان تشکل ها، از ایشان خواستیم که اگر واقعا مطلع بودند و با این حال قصد به جذب محمدی را داشتند، حتما یکبار دیگر وصیت نامه امام(ره) را مطالعه کنند.

آریا برزن محمدی کسی است که در پایان نامه دکتری خود در دانشکده دوره هم، به صراحت نظام جمهوری اسلامی را یک «دیکتاتوری» از نوعی بدتر از دیکتاتوری حسنی مبارک در مصر خوانده است!



گروه‌های آموزشی

- < گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی
- < گروه حقوق خصوصی و اسلامی
- < گروه حقوق عمومی
- < گروه روابط بین‌الملل
- < گروه علوم سیاسی
- < گروه مطالعات منطقه‌ای

اعضای هیأت علمی

آریا برزن
محمدی قلعه
تکی،



استادیار

دانشکده حقوق و علوم
سیاسی

مطالعات منطقه‌ای

شماره تماس :-

اتاق :-

صفحه رخ نما

پست الکترونیکی

رزومه

دانلود

قسمتی از مقاله مشترک آریا برزن محمدی و ایمان واقفی را مطالعه کنید:

«باری جنبش سبز نقطه عطفی در تاریخ معاصر است که زمان را به دو قسمت پیشا ۸۸ و پسا ۸۸ تقسیم میکند. سال ۸۸ پایان بالقوه گی‌های درونی فضای موجود بود. جایی که سیاست‌های گذشته به پایان خود سلام میکنند. اگر پیشا ۸۸ را تاریخ جهد سوژه‌های جمعی در بسط و گشایش مرزهای نمادین نظم مسلط بدانیم (به نحوی که محذوفان و مطرودان را دوباره در خود ادغام کند)، خود ۸۸ را باید انتهای منطقی این تلاش و پایان نفی نخستین بخوانیم. از این رو پسا ۸۸، نقطه آغاز مرگ نمادین است. جایی که گونه دیگری از سیاست ورزی متولد میشود. سیاستی که نه دل نگران نمادها و ارزشهای نظم موجود، که دل سپار برساختن نوع جدیدی از روابط اجتماعی و خلق فضایی دیگرگون است. سیاستی که به دنبال مَشکی نوست تا که شراب تازه اش را در آن ریزد. این گذار از نظم پیشین به نظم ممکن ما را به فراروی از جنبش سبز دعوت میکند.» (۴)

مارا به فراروی از جنبش سبز دعوت میکنند؟! آقای محمدی که در جواب نشریه بسیج فرمودند: «گاه ممکن است که در تحلیل‌هایم دچار اشتباه هم بشوم» آیا در جملات بالا هم دچار اشتباه در تحلیل شده‌اند؟ عمیقاً وفادار به انقلاب را باور کنیم یا مواضعشان نسبت به فتنه ۸۸؟ نقل قول‌های اخیرشان از فارس نیوز و خامنه‌ای دات آی آر در توئیتر را باور کنیم یا مصاحبه‌هایشان با شبکه‌های ضد انقلاب؟ سر چه کسی را میخواهید شیره بمالید آقایان؟ دانشگاه در جواب فرموده است که صرفاً صلاحیت علمی افراد را بررسی می‌کند و کاری به باقی مسائل ندارد؛ بگذریم که از نظر علمی هم حرف زیاد است و اگر نیاز به بررسی علمی باشد، ارتقای رتبه‌ی مدیریت دانشکده از دانشجویی اولویت بیشتری دارد ولی بدا بحال دانشگاه تهرانی که روزی برای آمدن امام تحسن به خود دید و حالا در جمهوری اسلامی چنین به وصیت همان امام عمل می‌شود. یکبار در سال هشدار دادیم گویا فراموش شده است؛ نخواهیم گذاشت که چنین افرادی جذب شوند و اگر جذب شوند یقین بدانید هزینه خواهد داشت.